

# واقعاً می خواهم بکشم اش!

بازی بزرگان-۲۲: عزت ا... انتظامی در "اجاره نشین ها" ساخته داریوش مهرجویی

چاپ شده در : روزنامه آسیا

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۸۴

در طول چند ماه از نیمه دوم سال ۸۴، ستون روزانه ای در روزنامه بیشتر اقتصادی "آسیا" به سردبیری علی جمشیدی و به پیشنهاد نیما حسنی نسب دبیر سینمایی آن داشتم با عنوان "بازی بزرگان"؛ که هر بار به وصف و شرح لحظه ای ویژه از نقش آفرینی یک بازیگر شاخص سینمای جهان و گاه هم ایران می پرداخت. این نوشته، یکی از آن یادداشت هاست که مانند بقیه، با وجود تلاش برای کمتر به کار بردن تعابیر تخصصی سینمایی و پرهیز از پیچیده شدن برای مخاطب روزنامه، همچنان می تواند در دل مباحث ساده و اولیه تحلیل بازیگری قرار گیرد.

\*

\*

از بین ویژگی های متعددی که می تواند کمک مان کند تا اجاره نشین ها (داریوش مهرجویی ، ۱۳۶۵) را با خیال راحت، بهترین کمدی تاریخ سینمای ایران بدانیم ، یکی هم بازی اغلب بازیگران و از جمله، عزت انتظامی است. او که بعدها از سوی برخی ، به «تکرار» کاراکتر و به خصوص، شیوه حرف زدن نقش اش در این فیلم (عباس آقا سوپر گوشت) متهم شد، اینجا داشت بنای شخصیت ساده ولی ظاهراً سودجویی را می گذاشت که بیش از بدجنسی و بدخواهی در درون، فقط ادعای آن را داشت و راستش به غیر از خود انتظامی و مهرجویی (مثلاً در پرداخت و اجرای نقش آقای دبیری وکیل در هامون / ۱۳۶۸) ، خیلی های دیگر هم متهم به تکرار یا بهره گیری از آن هستند!

نکته مهم اجاره نشین ها به لحاظ خلق شوخی ها و لحظه های کمیک، این بود که علاوه بر تکیه به کار کسانی که با میمیک و رفتار و کلام ، درست مثل یک کمدین ظاهر می شدند (مثلاً اکبر عبدی و فردوس کاویانی) و علاوه بر شوخی های فراوان بصری ، کمدی موقعیت و کمدی کلامی ، حتی از ظرفیت های جدی ترین بازیگران اش هم برای خلق کمدی بهره می برد؛ بدون آن که حتی لحظه ای آنها را به

طرف لودگی یا حتی بازی آشکارا «کمیک» سوق دهد. نمونه بازی های کاملاً جدی ولی به قدر کافی خنده دار در این فیلم، واقعاً بیش از هر کمدی ایرانی دیگر است که می خواهد از وجنات و سر و روی بازیگر تا رفتار و لباس و بیان اش، فریاد بزند که من کمدی ام! ایرج راد، فریماه فرجامی، مرحوم منوچهر حامدی، یارتا یاران، رضا رویگری، حمیده خیرآبادی و... البته انتظامی، نمونه های این نوع بازی کنترل شده را در فیلم به نمایش می گذارند.

جایی از فیلم هست که بازی انتظامی در آن بلبشوی وحشتناک آپارتمان درب و داغان و در دست مرمت و بازسازی، الگوی نمونه ای بازی های جدی و خنده دار در یک کمدی چند جانبه محسوب می شود: آنجا که عباس آقا بعد از تلاش برای تعطیل کردن تعمیراتی که بقیه ساکنان آپارتمان شروع کرده اند، با قندی (اکبر عبدی) حرف اش می شود و بعد از آن دیالوگ معروف او («من هم مستأجر قانونی این خونه ام و به تو یه الف آدم گنده اجازه نمی دم...!»)، بالاخره از کوره در می رود و با کلنگ کارگرهای ساختمان، دنبال قندی می افتد تا او را بزند و بکشد! مسئله درس گرفتنی در کار انتظامی این است که حتی لحظه ای تا این حد اغراق آمیز را، با وجود آن خصوصیت صرفاً «مدعی» عباس آقا که فقط شلوغ اش می کند، طوری به اجرا در می آورد که واقعاً به وحشت می افتیم، نکند قندی را گوشه ای گیر بیاندازد و با کلنگ، کارش را بسازد! انتظامی با نفس نفس زدنی که بیش از تقلا و دویدن، ناشی از عصبانیت است، با اخم و توپ و تشری که مثلاً موقع فریاد زدن اش بر سر قندی («اونو بذا زمین! اونو بذا زمین!») واقعاً آدم را می ترساند و با نگاه غضبناکی که نشان می دهد طرف خون اش به جوش آمده و الآن هر خشونت از اش بر می آید، صحنه را جدی جدی بازی می کند و همین کار او، با تناقض اش نسبت به موقعیت و بازی بازیگر مقابل، صحنه را به یکی از موفق ترین بخش های کمیک فیلم تبدیل می کند. شدت همین جدیت در بازی اوست که درست در قواره های آن صحنه های روده بر کننده کمدی های صامت، ترس و هیجان را با خنده

و حتی ریشه رفتن در واکنش تماشاگران این صحنه، تلفیق می کند و باعث می شود که اگر بیننده فهیمی باشیم و ایضاً موقع دیدن فیلم، دور و برمان کسی نباشد که جلوی عکس العمل هایمان را کنترل کنیم، قاعدتاً به این صحنه که رسیدیم ، باید همزمان هم جیغ بکشیم و هم قهقهه بزنیم: واکنشی مثل تماشاگران هیجان زده و روده بر شده کمدی های بزرگ کلاسیک که در دل جدی ترین و حساس ترین و خطرناک ترین موقعیت ها، خنده دارترین لحظه ها را می دیدند.